

## سوزان سونتاگ

# ویژگی‌های مرموز عکس

● سحر کریمی مهر



سوزان سونتاگ روز سه‌شنبه بیست و هشت دسامبر ۲۰۰۴ در نیویورک در سن هفتادویک سالگی درگذشت. این بانوی روشنفکر آمریکایی نویسنده رساله و رمان جایگاه خاصی را نه تنها در بین اکثر بحث‌های روشنفکرانه بلکه در زمینه مجادلات سیاسی عصر ما به خود اختصاص داده است.

بخشی از آخرین صفحات رساله «در غار افلاطون»<sup>۱</sup> که در این‌جا به اختصار ذکر گردیده و تفالی است بر یکی از قدیمی‌ترین آثار وی پیرامون عکاسی که در سال ۱۹۷۳ به رشته تحریر در آمده است.

با هنر عکاسی، معنای جدیدی به نظریه ارتباطات اطلاق شده بود. یک عکس همان‌گونه که جزء کوچکی از زمان است بخشی از مکان نیز هست. قلمرو عکس‌ها در دنیایی است که کادربندی در آن هر چند به شیوه‌ای محدود خودخواهانه به نظر می‌رسد.

کادربندی در یک عکس، موجب می‌شود هر بخش از یک سوژه خود را مستقل از کل سوژه نشان داده و گسسته و ناپیوسته گردد و یک موضوع از زوایای متفاوت نشان داده شود. و یا بالعکس سبب شود هر بخش از سوژه وابستگی خود را به کل نشان دهد.

عکاسی برداشت نمینالیست‌ها<sup>۲</sup> را از واقعیت جامعه تشدید می‌کند. واقعیتی که بر مبنای همان واحدهای کوچک و به ظاهر کثیر و نامحدود در عکس ساخته می‌شود، به‌سان عکس‌های متعدد گرفته شده از یک موضوع هر چند نامحدود. با دخالت هنر عکاسی، دنیا به مثابه رشته‌ای از ذرات درمی‌آید بدون آن‌که هیچ‌گونه ارتباطی بین اجزای آن وجود داشته باشد، تاریخ گذشته و حال به شکل مجموعه‌ای از حوادث متجلی می‌شود.

دوربین عکاسی واقعیت را به اجزای بسیار کوچکی تبدیل می‌کند و امکان تکثیر و غیرقابل درک بودن آن را فراهم می‌سازد.

این نوع برداشت از جهان به آن امکان عدم وابستگی متقابل بین اجزاء و تداوم آن را نمی‌دهد اما به هر یک از لحظات آن ویژگی مرموزی عطا می‌کند.

هر عکس از معناهای متعددی تشکیل شده است، در واقع مشاهده

موضوعی در عکس به نوعی خود را در مقابل آن با بحر و جاذبه بالقوه یافتن است، با رعایت تمامی این جوانب همواره عکس ما را به یک مبارزه دعوت می‌کند: «بفرمایید این عکس، حالا نوبت شماست که اندیشه‌تان و یا بیش‌تر از آن حساسیت و شمتان را برای فهمیدن آن‌چه فراسوی آن است، آن‌چه واقعی است به‌کار گیرید، و این‌که آیا عکس، به سوژه مورد نظرش شباهت دارد؟»

عکس‌هایی که در ظاهر چیزی برای گفتن ندارند عکس‌هایی فناپذیر، محرک در زمینه خلق فرضیه‌ای جهت نتیجه‌گیری، اندیشیدن، تعقل و خلق کردن شگفتی است.

آن‌چه در یک عکس الزامی است، نظریه شناخت جهان است و پذیرفتن آن به شیوه‌ای که عکس تثبیت می‌کند. اما در این‌جا تضادی در فهم عکس و پذیرش دنیا آن‌گونه که هست ایجاد می‌شود. پس، این امکان به وجود می‌آید که به هر آن‌چه در واقعیت است نه بگوییم. به‌طور حتم تنها صحبت کردن پیرامون یک عکس برای درک و فهم آن کافی نیست. مسلماً عکس‌ها خلأهای تصاویر ذهنی ما را نسبت به گذشته و حال پر می‌کنند به عنوان مثال ژاکوب ریس با دست گذاشتن روی نقاط حساس و نشان دادن عکس‌هایی از محلات فقیرنشین نیویورک سال ۱۸۸۰، فلاکت و شهرنشینی امریکای اواخر قرن نوزده را به‌مثابه

رمان‌های عصر دیکنزی مطرح می‌کند که برای خیلی‌ها قابل درک نیست. با وجود این دوربین عکاسی بیش‌تر به کتمان واقعیت می‌پردازد تا به بیان آن.

برشت نیز به این نکته اشاره می‌کند که: «عکسی از کارخانه کروپ<sup>۳</sup> نمی‌تواند عملاً بیانگر سازمان‌دهی این کارخانه باشد».

به‌رغم این‌که اشیاء در یک رابطه عاشقانه فرصتی برای حضور و تجلی می‌یابند اما این کاربرد آن‌هاست که در درک فهم ما نسبت به آن‌ها اهمیت می‌یابد. طرز کار یک شئی برای بُعدیافتن، به زمان نیاز دارد و آن بُعدی ضروری در جهت توصیفی است که ما همواره نسبت به آن‌ها داریم و تنها شیوه روایتی است که به ما امکان فهم می‌دهد.

عکس، محدودیتی از جنبه زیباشناختی را می‌تواند حین راهنمایی وجدان به ما دهد و هرگز نمی‌تواند با رعایت تمامی جوانب، جنبه‌های زیباشناختی و سیاسی را نیز به همراه داشته باشد.

برداشتی که از عکس‌ها می‌شود همواره با نوعی احساسات نفرت‌انگیز و بشردوستانه همراه است. این حداقل نوع برداشت، جنبه ظاهری برداشت و با جنبه ظاهری واقعیت خواهد بود همان‌گونه که عکس جنبه ظاهری و نسبی هرچیز است. حتی گنگی و سکوت فرضی قابل‌درک در عکس‌ها، آن‌ها را به نوعی فریبنده و جذاب جلوه می‌دهد. عکس‌ها با حضور دائمی‌شان نوعی تأثیر بی‌حدوحصر بر حساسیت اخلاقی‌مان به جای می‌گذارند.

هنر عکاسی با دخالت دادن عکس‌ها در این دنیای مملو از استعاره و تمثیل‌های دوگانه، این حس را در ما به‌وجود می‌آورد که دنیا آسان‌تر از آنی است که به نظر می‌رسد حال آن‌که در واقعیت این چنین نیست.

به نقل از روزنامه اروپایی تاریخ اجتماعی.

۱. Dans la caverne de Platon.

۲. Nominalisme اصول و نظریه که بر طبق آن عقاید در کلمات محدود و خلاصه می‌شوند.

۳. Krupp.